

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

عبدالله باوی

۰۶ جون ۲۰۱۳

مضحکہ انتخاباتی دیگری در جمهوری اسلامی!

اکنون مدتی است که بار دیگر نمایش انتخابات در جمهوری اسلامی شروع شده است و تمام نیروهای مرتجع به تکاپو افتاده‌اند تا به اسم "انتخابات" که در واقع انتصابات است عمر ننگین این جمهوری را طولانی تر کنند. این انتخابات که ماهیت بورژوائی آن را پوشش کریهی از مذهب می پوشاند بین دارو دسته ها و مهره هائی است که خود بر جنایت خود آگاهند و آگاهانه بر خیانت و جنایت خود کمر بسته‌اند.

انتخابات در این جمهوری بین مهره هائی است که در ادبیات فارسی به حق فاسد تعریف شده و در عمل نیز نشان داده‌اند که چنین هستند، و از آن کریهتر آن است که جناحی خود را اصولگرا می نامد، جهت توجیه وضع موجود به اصولی که چهارده قرن با کاروان تمدن بشریت فاصله دارد متوسل می شود، و آن هائی هم که ادعای اصلاح وضع را دارند بارها نشان داده اند که اصلاحات شان تنها روغن کاری ماشین سرکوب و تطهیر چهره دیکتاتوری جهت حفظ سیستم استثمار و غارت توده‌هاست. همه جناح های قاتل و اعوان و انصار فریبکارشان اکنون برای "انتخابات" وارد میدان شده‌اند تا بار دیگر ضمن تلاش برای ادامه حاکمیت ننگین این رژیم، اگر بتوانند باز عقل و شعور انسانی را بار دیگر به سخره بگیرند.

آن ها ۳۴ سال است که برای حفظ "مالکیت خصوصی"، این ریشه تمام ظلم ها بر توده‌ها، حکومت کرده‌اند و نتیجه جنایت بار این حاکمیت این شده است که همه جناح ها سعی می کنند حتی غارت و چپاول سرزمین را در "مالکیت خصوصی" خود و خانواده خویش در آورند، دزدی های کلان و کشاندن جامعه به ارتشاء نتیجه این سیاستی است که این کاراکترهای نوکر امپریالیسم پیش گرفته‌اند.

در "مبارزه" به اصطلاح انتخاباتی بین این کاراکترهای فاسد، میلیون ها توده زحمتکش که خالق ثروت برای آن ها هستند فقط ارقامی هستند که هر چهار سال یکبار برای مشروعیت بخشیدن به این توحش بیرون از حد بر روی کاغذ آورده می شوند، توده‌هائی که خود از تداوم این سلطه تنها چیزی که حاصل می برند فقر بیشتر است، آن هم در رژیمی که در هر جنایتی در رابطه با آن ها مرز را از حد گذرانده است، و این نیز به عمد است، تا توده‌ها از مبارزه ناامید شده و چشم اندازی به آینده نداشته باشند. منطق قدرت حاکمه سرکوب گر این است که نتیجه هر مبارزه‌ای باید تنها توده‌ها را به حدی برساند که از آن حد، تازه مرز ناامیدی آغاز می شود.

دیگر سال هاست که توده‌ها بر بخش بزرگی از ناباوری خود فائق آمده اند، دیگر کاراکترهای بی شمار بی‌شماره داستان های خیالی نیستند، آن ها فهمیده‌اند که این جنایتکاران در خدمت سرمایه و در خدمت سیستمی هستند که با انسان ها به هر قسمی که می خواهند رفتار می کنند، اعدام، زندان، شکنجه، تجاوز، بیکاری، فقر، فحشاء و اعتیاد و هر

فاجعه دیگر حاصلی است که این رژیم ایجاد کرده و در صورت تداوم حاکمیت این رژیم این فجایع درد آور تر خواهند شد.

فساد همه جناح ها چنان است که حتی با کلمات هم قابل بیان نیست به واقع ابعاد حیرت انگیز فسادشان کلمات را نیز برای توصیف شان بی مفهوم و نامفهوم کرده است و کار به آنجا رسیده که صرف گفتن این که این رژیم جنایتکار است فقط تعریف از این رژیم است، در حالی که همه مسأله در چگونگی نابودی این جرثومه های فساد نهفته است راهی که در داستان "۲۴ ساعت در خواب و بیداری" رفیق بزرگوار صمد بهرنگی، به روشنی تصویر گشته است آن جا که قهرمان داستان لطیف آرزو می کند کاش مسلسل پشت شیشه مال او بود. آری انقلاب قهر آمیز تنها وسیله ای است که توانائی این را دارد که این مزدوران و سیستم ظالمانه آن ها را که تا مغز استخوان به امپریالیست ها وابسته است، از صحنه حاکمیت و سیاست و قدرت به زیر بکشد.

جون ۲۰۱۳